

آنسوی آب

۱۱دوست‌داشتنی



■ **آسوشیندپرس:** جمعه‌ای که گذشت، روز بسیار مهمی برای بتسبی و کتی اورمن بود. چراکه این دو خواهر آمریکایی دوقلو تولد ۱۱سالگی خود را در یازدهمین روز یازدهمین ماه سال ۲۰۱۱ جشن گرفتند. آنها می‌خواستند اگر به مدرسه بروند تنها ۱۱ دقیقه آنجا باشند و تولد خود را ۱۱ دقیقه بعد از ساعت ۱۱ جشن بگیرند. یکی از خاله‌های بتسی و کتی به‌عنوان کادو ۱۱ جعبه به این دو خواهر داد که در هر جعبه ۱۱ کادوی کوچک بود.

یفر مایید پل

■ **رویترز:** مقامات ایالت کنتاکی آمریکا دوست دارند هر چه زودتر از شر یک پل تاریخی اما بی‌مصرف که در یکی از بزرگراه‌های حاشیه‌ای ایالت‌شان قرار دارد، خلاص شوند و حاضرند آن را به صورت مجانی بفروشند. طبق گفته مسوولان ایالت کنتاکی، این پل ۸۰ ساله که در جاده ۸۰جنوب‌شرقی کنتاکی قرار دارد باید هر چه زودتر جایش را به پلی دهد که توانایی تحمل ترافیک بیشتر را داشته باشد. ساده‌ترین راه خراب کردن این پل، ساختن یک پل جدید است اما از آنجایی که ایسن پل قدیمی یک بنای تاریخی محسوب می‌شود، مقامات شهرداری ترجیح می‌دهند آن را خراب نکنند و تنها از جای فعلی‌اش به محل دیگری منتقل کنند. به همین دلیل مسوولان راهداری ایالت کنتاکی می‌خواهند آن را به سازمان یا شخصی واگذار کنند که بتواند به خوبی از این پل نگهداری کند.آی بی الکینز، سخنگوی اداره راهداری می‌گوید: «ساختار این پل مشکلی ندارد اما باید قبول کنیم که قدیمی شده و دیگر نمی‌توان از آن استفاده کرد.» هنوز کسی نمی‌داند هزینه نگهداری این پل چقدر خواهد بود، هر چند به نظر می‌رسد هزینه آن کمتر از پولی باشد که صرف خراب کردنش می‌شود.

اسایدر من فرانسوی

■ **خبرگزاری فرانسه:** آلن رابرت را خیلی‌ها می‌شناسند، او که معروف به مرد عتکبوتی فرانسوی است، توانایی زیادی در بالا رفتن از ساختمان‌های بلند دارد و در جدیدترین کارش از دیوارهای هتل اینتر کنتینتال‌تل بخارست که بلندترین ساختمان پایتخت رومانی محسوب می‌شود، بالا رفته است. عملیات مهیج او بیش از ۲۰۰ تماشاچی داشت که لحظه‌ای از عکس گرفتن از این مرد ۴۸ ساله دست بر نمی‌داشتند. جالب اینکه این چند متر از قبل رسیدن به سقف این هتل کارش را تمام کرد تا سفارش یکی از مشتریانش را انجام و بنر تبلیغاتی او را نشان ملت دهد. راپرت تا امروز بیش از ۱۰۰ برج دنیا را فتح کرده که در بین آنها برج ۸۲۸ متری خلیفه دبی هم دیده می‌شود.

چشم بادامی‌های پولدار چه کسانی هستند؟



■ **اگونومیک آرزو:** چینی‌ها به تازگی سوزه جالبی برای بررسی پیدا کرده‌اند. اینکه نسل جدید ثروتمندان این کشور چه کسانی هستند و از کجا می‌آیند. یافته‌های آنها نشان داده که کار بیشتر ثروتمندان، ساختوساز و مشاور املاک است و جالب اینکه آنها بیشتر دارایی‌های خود را در خارج از کشورشان سرمایه‌گذاری می‌کنند. براساس گزارش‌های جدید، ۱۴درصد افرادی که ثروتمشان بیشتر از یک‌میلیون دلار است یا از چین رفته‌اند یا برنامه مهاجرت دارند. ۵۰درصد دیگر هم به این فکر می‌کنند که در آینده نزدیک شهرهای کشور دیگری شوند. بین ماماهای مه تا سپتامبر امسال یک موسسه تحقیقاتی که به دنبال تنظیم لیست ثروتمندان چینی است، سراغ پولدارهای کشورش در ۱۸ شهر بزرگ رفت و با آنها مصاحبه کرد. نتایج این مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که ۳۰درصد این افراد – که میانگین سنی شان ۴۲ سال است – در خارج از چین صاحب ملک و سرمایه هستند و اکثر پولشان را روی زمین و ساختمان سرمایه‌گذاری کرده‌اند. آتهایی که هنوز پولشان را به آنور آب نبرده‌اند می‌خواهند تا سه‌سال آینده این کار را انجام دهند. آنها در مورد دلیل سرمایه‌گذاری در خارج از کشور به موارد مختلفی اشاره کردند که یکی از آنها تحصیل فرزندانشان در کشورهای دیگر است و دلیل بعدی مقدمه چینی برای مهاجرت به آن سبوی آب است. ۶۰درصد ثروتمندان آرزو کرده‌اند که دارایی‌های‌شان مستقیما به فرزندانشان برسد، اما بقیه افراد گفته‌اند که دوست دارند ثروشان توسط مدیران حرفه‌ای به خوبی کنترل شود.

دونده‌ای که گینس رکوردش را ثبت نمی‌کند

اگر ندوم می‌میرم

ترجمه: **ر امین طبرسی**

دنیای دو مارتن مدت‌هاست که میزبان یک چهره ویژه است. فوجا سینگ پیرمرد صدساله هندی که علاقه زیادی به دویدن دارد می‌تواند ۴۲ کیلومتر را کمتر از ۹ ساعت طی کند. سینگ مدتی پیش در مسابقات تورنتو به‌عنوان دوندۀ ۲۸۵۰ از خط پایان گذشت. قیافه فوجا طوری است که هر کس او را از نزدیک ببیند فکر می‌کند که این ورزشکار ریش‌سفید، خواب است درحالی‌که مشکل میمیک صورت اوست که این تصور را ایجاد می‌کند. مربی فوجا می‌گوید: «سینگ برای تورنمنت بعدی لحظه‌شماری می‌کند. حدود یک‌ماه قبل بود که فوجا دست به یک کار بزرگ زد و در فرانکفورت آلمان توانست نامش را به‌عنوان اولین انسان صدساله‌ای که در یک مسابقه ماراثن شرکت کرده ثبت کند. بعد از مسابقه اولین کاری که فوجا انجام داد ولو شدن روی تخت بود البته شاید این بار هم مشکل از قیافه غلط‌انداز او باشد. همین که فوجا در یک مسابقه ماراثن شرکت کرده برای محبوب شدنش کافی بوده و حالا او طرفداران زیادی دارد. دوندۀ کنیایی که در فرانکفورت نفر اول شده با اشاره به فیزیک فوجا می‌گوید که او شباهت زیادی به کنیایی‌ها دارد و مثل آنها لاغر و استخوانی است. هر کسی به هیکل فوجا نگاه کند فکر می‌کند که او سوء تغذیه دارد درحالی‌که شناسنامه پیرمرد هندی گویای همه چیز است و به خاطر همین، شناسنامه عضلات و ماهیچه‌های او از سایر دوندگان ضعیف‌تر است و فوجا به نسبت سایرین زمان بیشتری برای ریکاوری می‌خواهد. فوجا در لابی هتل نشسته و مشغول امضا دادن و عکس گرفتن با هوادانش است. همه‌چور آدمی می‌توان بین هواداران او پیدا کرد و همین قضیه به او انگیزه بیشتری برای شرکت در تورنمنت‌های مختلف داده. سینگ در بین اهالی ماراثن چهره ویژه‌ای است. او در سال ۲۰۰۰ و در ۸۹ سالگی برای اولین بار در مسابقات لندن شرکت کرد اما هشتمین حضور او در مسابقات ماراثن تورنتو – که مربوط به یک ماه قبل بود – روز ویژه‌ای را در زندگی‌اش رقم زد تا او اولین صدساله‌ای باشد که توانسته در یک مسابقه ماراثن شرکت کند. سینگ بعد از پایان مسابقه از خستگی نای حرف زدن نداشت اما رسیدن به این افتخار را مساوی ازدواج دوباره دانست. وقتی او برای مسابقه دادن به فرانکفورت آمد رسانه‌های زیادی سراغش رفتند تا در مورد او گزارش تهیه کنند. برای کسی مهم نبود که فوجا می‌تواند از خط پایان بگذرد یا نه. همین که مردی با این سن و سال هنوز روحیه‌اش را از دست نداده سوزه خوبی برای روزنامه‌نگاران بود. جالب اینکه یک روزنامه‌نگار زن فرانسوی به فوجا تقاضای ازدواج داده اما او رد کرده و تنها از دخترش! بابت پیشنهادی که به او داده تشکر کرده است. فوجا با اینکه کل مسیر را طی نکرد اما همه



کتاب بهتر است یا آی‌پد؟

چشم بهتر و راحت‌تر هستند، رد کرده است. پروفسور استفان فاسل مسوول این گروه تحقیقاتی عقیده دارد که کتاب‌های اینترنتی و در کل مطالعه اینترنتی نقش مهمی در بازار جهانی کتاب دارد. به نظر او از زمانی که کتاب‌ها روی اینترنت قرار گرفتند خیلی‌ها به این قضیه بدبین شدند و تحقیق گروه او در اصل به دنبال دلایل این بدبینی بوده است. فاسل می‌گوید: «مطالعات ما نشان داده بحثی که در مورد اثرات منفی خواندن

از روی صفحه کامپیوتر انجام شده پایه و اساس علمی ندارد.» طی این تحقیق گروهی از داوطلبان متن‌هایی مشخص را هم روی آی‌پد خواندند و هم نسخه چاپی آن را ورق زدند و حرکات چشم آنها در طول مطالعه مورد بررسی قرار گرفت. هرچند اکثر داوطلبان عقیده داشتند که خواندن کتاب را به مطالعه نسخه اینترنتی آن ترجیح می‌دهند اما تحقیقات نشان داده که مطالعه نسخه اینترنتی کار راحت‌تری به نسبت ورق زدن کتاب است.

راهی برای فرار از شلوغی زندگی

ایستگاه داستان‌خوانی در مترو

ضرب امنیتی ترن‌هایشان را بیشتر کنند. مثلا درهای واگن‌ها فقط هنگامی باز می‌شود که قطار به مقصدش رسیده باشد تا از این طریق دیگر مسافران وسط راه نخوابند برای مردن! پیاده شوند. تابلوهای کوچکی که روی آن نام نویسنده داستان‌ها به چشم می‌خورد حاوی اطلاعاتی در مورد نویسنده و کاریکاتوری از اوست. به گفته یو یو گوئن یکی از مسوولان مترو سنول، مسافران از این طرح استقبال زیادی کرده‌اند و خیلی‌ها نوشته‌های خود را به دفتر این سازمان فرستاده‌اند تا گلچینی از بهترین‌ها برای نصب در ترن انتخاب شود. از طرف دیگر، مسافرانی که این داستان‌ها را می‌خوانند هم از

این طریق سرگرم می‌شوند و هم اینکه ذهن‌شان برای دقایقی که شده درگیر مسایل دیگری غیر از مشکلات‌شان می‌شود. به خصوص آنکه شلوغی مترو فرصت هر کار دیگری را از مسافران می‌گیرد و خواندن این داستان‌های کوتاه فرصتی است برای رهایی از این شلوغی. جالب اینکه بعضی از این داستان‌ها باتی خیر هم شده‌اند. برای مثال زنی در نوشته خود به

معلم دوران بچگی‌اش اشاره کرده بود که مدت‌هاست از او خبر ندارد و خیلی دوست دارد دوباره او را ببیند. از قضا معلم مربوطه مسافر مترو بوده و بعد از خواندن نوشته سراغ شاگرد قدیمی‌اش می‌رود. از آنجایی که هیچ کدام از نویسندگان، حرفه‌ای نیستند طبیعتا اکثر داستان‌ها ملودرام است و افراد از ناراحتی‌ها و مشکلات زندگی‌شان می‌نویسند. دیدن قیافه مردم هم بعد از خواندن داستان‌ها جالب است. به نظر می‌رسد آنها به قیافه خودشان که در شیشه انعکاس یافته، نگاه می‌کنند ولی انگار آنها حواس‌شان به قیافه خودشان نیست و در جای دیگری سیر می‌کنند.

لس آنجلس تایمز: انگار مشغول ورق زدن دفترچه خاطرات هستی که هر صفحه‌اش داستان جداگانه‌ای دارد و متعلق به شخص متفاوتی هست. یکی در مورد عشقت نوشته، دیگری به زندگی‌با پدر الکلی‌اش اشاره کرده و آن یکی دوران کودکی‌اش را ورق زده که باید در رستوران پدربزگش کار می‌کرد. اما این خاطرات شخصی به جای آنکه در یک دفتر شخصی نوشته شده باشند در یک محل عمومی به نمایش گذاشته شده. داستان از این قرار است که شرکت مترو سنول برای اسرگرم کردن مسافرانش تصمیم گرفته در واگن‌ها داستان‌های کوتاهی قرار دهد تا حوصله مردم سر نرود.

آنها با قرار دادن این داستان‌ها در بالای خروجی واگن‌ها به دنبال این بوده‌اند تا مسافران بی‌شمار مترو برای لحظه‌ای هم که شده بی‌خیال دنیای دور و پرشان شوند و فکرشان را آزاد کنند. در بین قصه‌ها می‌توان به موضوعات جالبی رسید. از شرمندگی بچه‌ای بعد از فهمیدن دزدی‌بودن کش‌هایی که به عنوان هدیه دریافت کرده بود گرفته تا

ناراحتی‌های زنی که مجبور بوده از مادر مریض مواظبت کند. بعضی اوقات خود مترو هم دلیلی برای نوشتن داستان می‌شود. مثلا زنی که هر روز دو ساعت در مترو بوده تا به محل کارش برسد در مورد این نوشته که به توصیه مادرش هر روز در مورد اتفاقاتی که طول سفرش می‌بیند، بنویسد. طرح داستان‌نویسی در مترو سنول از سال قبل شروع شد تا شاید از این طریق تغییری در روحیه مسافران ایجاد شود. در کشوری که آمار خودکشی در آن روند کلاما صعودی دارد بسیاری از افراد، مترو را بهترین راه برای خودکشی می‌دانند و طی سال‌های اخیر مسوولان شرکت مترو سعی کرده‌اند تا

جایی در دور دست

آیا ارواح وجود دارند؟



■ **لایو ساینس:** هر روز تعداد زیادی از گروه‌های آماتور جست‌وجوگر روح به مناطق ممنوعه و خانه‌های قدیمی سرک می‌کشند تا شاید بالاخره بتوانند روح پیدا کنند. آنها با خودشان وسایل الکتریکی هم می‌برند تا شاید از طریق آن بتوانند جای اشباح را شناسایی کنند. با اینکه موضوع جست‌وجوی ارواح سال‌هاست که ذهن بشر را مشغول کرده اما هنوز کسی نتوانسته وجود ارواح را اثبات کند. خیلی از طرفداران این قضیه مدعی هستند که با قوانین فیزیک می‌توان به وجود ارواح پی برد و برای مثال به نظریات آلبرت انیشتین اشاره می‌کنند.

با یک جست‌وجوی ساده در گوگل می‌توان به هشت‌میلیون نتیجه رسید که بین کارهای انیشتین در مورد انرژی و وجود روح ارتباط برقرار کرده‌اند. جان کاجوپا که شکارچی روح است در کتاب خود نوشته: «انیشتین این موضوع را ثابت کرده که انرژی در جهان، ثابت است و از بین نمی‌رود. پس وقتی ما می‌میریم چه اتفاقی برای این انرژی می‌افتد؟ وقتی که نابود نمی‌شود، احتمالا طبق نظریه انیشتین به فرم دیگری از انرژی تبدیل می‌شود که می‌توان روح نام را روی آن گذاشت.

گروه دیگری با بررسی‌های نظریات انیشتین به این نتیجه رسیدند که وقتی انسان زنده است انرژی الکتریکی در بدنش دارد که باعث ضربان قلب و نفس کشیدن انسان می‌شود. بعد از مرگ افراد، انرژی درونشان به شکل حرارت در دنیا پخش می‌شود. این وسط عده‌ای عقیده دارند که رد این انرژی را در ارواح گرفته‌اند. البته حرف آنها هیچ پایه و اساس علمی ندارد و فقط از اسم انیشتین بیچاره سوءاستفاده می‌کنند..

برجی که بدشانسی می‌آورد؟

■ **دیلی‌میل:** گران‌ترین خانه دنیا خالی است و خاک می‌خورد. چراکه صاحبان میلیاردر آن عقیده دارند سکونت در آن بدشانسی می‌آورد. ایسن برج ۲۷طبقه که در بمبئی واقع شده و انتالیا نام دارد، متعلق به نسبت وزرق رن کتاب است.



دنیا یعنی موکش امبانی است که طبق برآورد مجله فوربس با داشتن ۲۷ میلیارد دلار دارایی، نهمین فرد ثروتمند دنیا محسوب می‌شود. انتالیا سال قبل و بعد از بهره‌برداری تبدیل به بزرگ‌ترین آسمانخراش بمبئی شده بود اما بعد از آنکه خانواده امبانی به خانه جدیدشان نقل مکان نکردند این سوال به وجود آمده که چرا آنها حاضر به اقامت در این برج نشده‌اند به خصوص آنکه انتالیا با داشتن امکانات منحصربه‌فردش مطمئنا محل راحتی برای زندگی به نظر می‌رسید. گفته می‌شود از آنجایی که معماری این ساختمان با یکسری از اصول و عقاید سنتی هندوها سازگار نبوده، خانواده امبانی ترجیح داده‌اند قید زندگی در آنجا را بزنند و فکر می‌کنند اگر به آنجا نقل مکان کنند، بدشانسی می‌آورد. آنها میهمانی‌ها و جلسات خود را در این برج برگزار می‌کنند اما بعد از میهمانی به خانه خودشان برمی‌گردند و حاضر نیستند شب را در انتالیا به صبح برسازند.

براساس یکی از اصول قدیمی معماری هندی، باید به راحتی طلوع خورشید را از هر خانهای دید. اما به نظر می‌رسد بخش شرقی این برج از پنجره‌های کافی برای دیدن طلوع خورشید برخوردار نیست. در چنین شرایطی بسیاری از اهالی امبانی به جای سکونت در برج رویایی‌شان ترجیح می‌دهند در همان ساختمان ۱۴طبقه قبلی‌شان – که تمام فامیل را در آنجا داده‌اند – زندگی کنند. توشار پانیا سخنگوی یکی از شرکت‌های امبانی حاضر به صحبت در مورد این موضوع نشده. سال قبل و در آستانه تکمیل این خانه، بسیاری از اهالی بمبئی نسبت به وجود چنین خانه‌ای که از نظر آنها نماد فخرفروشی بود، انتقاد کردند. چراکه وضعیت اکثر مردم هند تعریف آنچنانی ندارد و آنها محتاج نان شب‌شان هستند.